

## ساختار و تشکیلات نظامی آل بویه در جنگ های نظامی

### سارا نازپرور صوفیانی

دانشجوی دکتری گروه تاریخ اسلام، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

[saranazparvar@yahoo.com](mailto:saranazparvar@yahoo.com)

### محمد سپهری (نویسنده مسئول)

استاد گروه تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

[sepehran55@gmail.com](mailto:sepehran55@gmail.com)

### علیرضا واسعی

دانشیار گروه هنر و تمدن اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مشهد، ایران

[Vaseyiali@yahoo.com](mailto:Vaseyiali@yahoo.com)

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۱۰ سال ۱۹ شماره ۲۲ - صفحه ۳۴۵-۳۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰

### چکیده:

جنگ یکی از اساسی ترین موضوعات و مسائل در هر عصر و جامعه ای است. سپاه در نزد سلاطین آل بویه از آن جهت که خود ویژگی های نظامی گری داشتند، و به دلیل حفظ متصرفات و جنگ با مدعیان و دشمنان حکومت، دارای اهمیت بسیاری بود. از اینرو شناخت جایگاه، نقش و کارکرد سپاه در عهد بویه امری در جهت بازشناسایی ساختار حکومت و به تبع آن جامعه عصر آل بویه محسوب می گردد. در این راستا، سؤال محوری پژوهش حاضر این است که استراتژی نظامی سپاه در عهد آل بویه چگونه بوده است؟ فرضیه مطرح شده این است که ترکیب و استراتژی نظامی این دوره از بخش های ناهمگون تشکیل شده بود: استراتژی و رویکردهایی که امرای ایرانی یعنی دیلمیان و کردان که نمایندگی دودمان های حکومت گر بومی یا ا لگوهای نظامی گری خاص ایرانیان را برعهده داشتند و درکنار آن، امرای ترک و عرب به ناگزیر در قالب نظامی که توسط حکومت آل بویه گرد هم آمده بودند، شکل می گرفت. این پژوهش بر اساس روش توصیفی-تحلیلی به تبیین موضوع خواهد پرداخت.

**واژگان کلیدی:** آل بویه، سپاه، دیلمان، استراتژی نظامی

**مقدمه:**

هر جامعه و دولتی برای حفظ موجودیت و قدرت و حکومت خود، همچنین برای مقابله با دشمنان خارجی و جنگها و تهدیدات داخلی می‌باید از یک نیروی نظامی نیرومند و ارتش منسجم برخوردار باشد تا بتواند در برابر آنها ایستادگی کند و از خطر نابودی در امان باشد. در تاریخ سیاسی ایران بعد از اسلام، دولت بویه (۳۲۲ تا ۴۴۸ ق) از جمله دولت‌هایی بود که سپاه و اجزای تشکیلات آن بسیار مورد توجه قرار گرفت. با این حال، بررسی ساختار تشکیلات سپاه و فنون جنگی دولت بویه نشان می‌دهد که آنها وارثان حکومت‌های پیشین خود بودند چونانکه با سقوط ساسانیان به دست مسلمانان الگوی نظامی و سازمان سپاه آن دوره نیز با دگرگونی‌هایی مواجه شد. گرچه سپاه ساخت خود را به گونه‌ای حفظ کرد اما لزوم هماهنگی با نیازهای جدید، و عناصر نورسیده، تغییراتی در الگوی نظامی گری، جایگاه، نقش و کارکرد نظامیان به وجود آورد. ظهور حکومت‌های محلی در ایران (قرن سوم به بعد) و کاهش اتکای آنان بر نیروی نظامی عرب توأم با رشد مرکزیت‌گرایی در حکومت به پیدایش الگوهای سپاه ثابت انجامید. در چنین شرایطی، افزایش سرزمین‌ها و گسترش قلمرو آل بویه و محافظت از سرحدات و جنگ با مدعیان حکومت نیاز به سپاهی قوی داشت و همین امر بر اهمیت سپاه در نزد آل بویه بیش از پیش می‌افزود. امرای بویه‌ای ضمن بهره‌برداری از میراث دولت‌های گذشته برای تشکیلات سپاهی و فنون جنگی، دست به ابداع و نوع‌آوری‌های جدید زدند. امارت آل بویه در زمان شکوفایی خود؛ یعنی در عهد رکن‌الدوله (۳۶۶ - ۳۳۸ ه)، عضدالدوله (۳۷۲ - ۳۳۸ ه) و فخرالدوله (۳۸۷ - ۳۶۶ ه)، توسعه طلب و جنگ‌جویانه بود؛ لذا با سامانیان و زیاریان در مشرق و با حمدانیان و امارات دیگر عربی در اطراف صحرای سوریه در غرب، درگیر شدند. ثعلبی در لطائف المعارف آورده است: عضدالدوله با استفاده از استراتژی‌های جدید در صحنه‌های نبرد، در میان معاصران خود بی‌همتا بود. و توانست موفقیت‌های بزرگی به دست آورد. در سایه توجه موفقیت‌های امرای آل بویه است که استراتژی و آرایش نظامی آل بویه سزاوار تحقیق و پژوهش می‌باشد که در نوشتار پیش روی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۲. پیشینه پژوهش:

درباره «آل بویه» کتاب‌ها و تحقیقات زیادی صورت گرفته است. از جمله کتاب «تاریخ آل بویه» علی اصغر فقیهی و «دیلمیان در گستره تاریخ» پروین ترکمنی آذر و «آل بویه در عراق» مفیزالله کبیر و کتاب «حامیان فرهنگ» سیف الله نحوی که به بررسی کلی حکومت آل بویه پرداخته اند. اگر چه در کتاب‌های فوق و دیگر کتب به اجزایی از سپاه و تشکیلات نظامی دولت بویه پرداخته شده است، ولی تاکنون در کشور پژوهشی مستقل در این خصوص صورت نگرفته است.

### ۳. پیشینه سازمان سپاه در ایران

در مطالعه زمینه تاریخی سپاه عصر آل بویه، ابتدا می‌بایست به ساختار سپاه در عصر ساسانی توجه نمود. حکومت‌هایی که پس از ورود اسلام در ایران به قدرت می‌رسیدند، بنا به زمینه خود که اغلب از عناصر کوچ نشینی تشکیل می‌شد، نسبت به ساختار حکومت‌های پیچیده ناآشنا بودند. این قدرت‌ها که سابقه تشکیل حکومت‌های متمرکز را نداشتند، مجبور به استفاده از الگویی بودند که پیش از آن‌ها در حکومت ساسانی صورت بندی خود را نشان داده بود. از این رو ما در مطالعه ساختار سپاه در عهد آل بویه ملزم به آشنایی با الگویی هستیم که از زمان امپراتوری ساسانی در ایران جریان داشت.

ارتش منظم و دائمی ساسانیان به عنوان دومین طبقه جامعه، نمونه‌ای از تلاش برای ایجاد یک ساختار و سپس شکل بندی نهایی حکومت متمرکز محسوب می‌شد. در ارتش ساسانی ابتدا یک «ایران اسپهبد» فرمانده کل نظامی سراسر شاهنشاهی گردید؛ اما پس از اصلاحات قباد و انوشیروان ساسانی، قدرت او بین چهار اسپهبد تقسیم می‌شد که این امر احتمالاً واکنشی به شرایط موجود سیاسی و نظامی با توجه به شکست‌های نظامی قباد اول، جنگ با امپراتوری بیزانس در غرب، تهاجمات هیاطله از شرق، و حمله اعراب از جنوب بود (دریایی، ۱۳۸۳: ۱۲۶-۱۲۷). سپس مقام دیگری به نام (سپهسالار یا فرمانده کل قوا) که بالاترین درجه در ارتش ساسانی بود، به وجود آمد. (همان: ۴۷). این امر می‌توانست نشان از یک تغییر در جایگاه و موقعیت حکومت ساسانی باشد که با توجه به شرایط موجود، در انتقال از یک سطح به سطح دیگر و در جهت تمرکز امور نظامی از طریق تبدیل چهار اسپهبد به یک سپهسالار به دنبال رویارویی با مخاطرات تازه‌ای (چون هجوم اعراب) بود که در پیش داشتند. در ساختار سیاسی ایران، ارتش از عضویت و حمایت شاهان محلی،

شاهزادگان، بزرگان و مالکان برخوردار بود. این گروه‌ها رده‌های بالای نظامی را شکل می‌دادند و از عوامل و نیروهای مؤثر در حفظ قدرت مرکزی محسوب می‌شدند. بنابراین وظیفه ارتش این بود که از شاهنشاهی حفاظت کند و هم چنین از ظلم و ستم و پیمان شکنی دوری کند. اشرافیت سطوح مختلفی را شامل می‌شد که آزادگان در پایین‌ترین سطح آن قرار داشتند و عمدتاً شامل اعیان زمین دار (دهقانان) بودند؛ اصطلاح آزادان برای اشاره به «گروه نامتمیزی» از اشراف در برابر توده عام نیز به کار می‌رفت (همان: ۱۴۸). بنابراین می‌توان حدس زد که این اصطلاح می‌توانسته است حوزه‌های گوناگونی را در بر بگیرد و نشان‌گر یک جابه‌جایی مفهومی نیز باشد.

سپاه در ایران قبل از اسلام و در عهد ساسانی به دو واحد اصلی، سواره نظام و پیادگان، تقسیم می‌شد؛ از نظر عناصر اصلی تشکیل دهنده نظامی، عنصر اصلی ارتش ساسانی را دهقانان شکل می‌دادند که از لحاظ اقتصادی نیز شالوده درآمدهای حکومت، یعنی گردآوری مالیات، را نمایندگی می‌کردند. (همان: ۱۴۷). این گروه‌ها به عنوان نیروی برگزیده جامعه صاحب موقعیت برتر بودند و از این رو مناصب اصلی نظامی را نیز بر عهده داشتند. احتمالاً موقعیت برتر خود این دهقانان بود که باعث می‌شد نیروی اصلی ارتش را شکل دهند. در کنش متقابل، اسواران نیز در ساخت سیاسی و اجتماعی ایران، صاحب جایگاه و موقعیت مناسبی بودند. در کنار این نیروی نظامی، حکام ایالات یا مرزبانان وجود داشتند که توسط شاهنشاه به ایالات و ولایات فرستاده می‌شدند تا اداره ایالات را بر عهده بگیرند؛ اما چنین به نظر می‌رسد که جنبه لشکری و نظامی این مرزبانان در انتخاب آنان به عنوان حاکم ایالات بیشتر مورد توجه بوده است. این امر نشان از اهمیت نقش این عناصر در نظام روابط سیاسی و اجتماعی داشت (تنکابنی، ۱۳۸۳: ۲۹).

در ساختار نظامی ایران، سواره نظام زره پوش سنگین اسلحه، نخبه سپاه محسوب می‌گردید که پیروزی‌ها و موفقیت‌ها در جنگ‌ها تحت تأثیر این گروه بود. (دریایی، همان: ۱۴۸). در کنار سواره نظام سنگین اسلحه باید از قشون چریکی سبک اسلحه نام برد که عموماً از طرف ملوک الطوائفی ها جمع‌آوری می‌گردید. (کریستین سن، ۱۳۷۸: ۱۵۱-۱۵۳). عنصر دیگر، فیل سواران بود که عموماً برای حمل اسباب و یا ایجاد ترس در سپاه مقابل مورد استفاده قرار می‌گرفت. (همان: ۱۵۳) شتر سواران نیز بخش دیگری از سپاه ساسانی را تشکیل می‌دادند که به اذعان کریستین سن در این

خصوصاً اطلاعات خاصی وجود ندارد. سپاه جاویدان نیز که از نخبه‌های جنگجوی دولت ساسانی تشکیل می‌شد، در قلب سپاه قرار می‌گرفت و مأموریت آنها حفاظت از شاه بود. (همان: ۱۵۲-۱۵۳). پیاده نظام (پایگان) موخره العیش سپاه، از روستاییان عادی که خدمت نظام از وظایف آن محسوب می‌گردید، تشکیل می‌شد، ولی در بافت نظامی در سطوح پایین جای می‌گرفت. (همان: ۱۵۳). این واحد از سپاه، اگرچه تعداد قابل توجهی را شامل می‌شد اما از لحاظ اهمیت و جایگاه بعد از سواره نظام قرار می‌گرفت. پیاده نظام در ساختار سپاه ایران به سه بخش، پیاده نظام سبک اسلحه، پیاده نظام سنگین اسلحه و تیرانداز تقسیم می‌شد. (حکمت، ۱۳۴۳: ۱۰۸۸).

در دوره اسلامی مسلمانان به هنگام حمله به ایران سپاهی متشکل از قبایل عرب بودند که هسته اولیه سپاه اسلامی را شکل می‌دادند و به عنوان تنها عنصر نظامی در عصر رسول خدا (ص) و خلفای راشدین محسوب می‌شدند. این قبایل متعدد که با نام مقاتله قابل شناسایی هستند، با شعب متفرق خود به دفاع از دین اسلام و گسترش آن در خارج از مرزهای جزیره العرب می‌پرداختند. در دوره اموی، سپاه تحت تأثیر شرایط زمانی و مکانی متأثر از ملت‌های همجوار از جمله ایران و بیزانس گردید. سرانجام با شکل‌گیری حکومت عباسیان، ساختار سپاه عصر اسلامی با تحولات جدیدی روبرو شد. این امر با نیاز عباسیان به نیروهای جدید در مقابل سپاه امویان و هم‌چنین شعار عباسیان در جهت برابری اعراب و عجم شدت بیشتری یافته بود؛ طوری که به ادغام عناصر جدید در ساخت اجتماعی، سیاسی و نظامی جامعه عباسی در شکل نهایی آن منجر شد. توجه عباسیان به خراسان به عنوان منبع تأمین نیروی نظامی برای مقابله با امویان، زمینه ورود گسترده عناصر جدید نظامی را که متشکل از نیروهای بومی و نیز ترکان بود، به ساختار سیاسی، نظامی و اجتماعی مهیا نموده بود. با شکل‌گیری نهایی حکومت عباسی، این عناصر جدید موقعیت و جایگاه خود را در ساخت جامعه عباسی تثبیت می‌کردند. اوج این امر، حضور عنصر ترک در خدمت خلفای عباسی برای امور نظامی و خدماتی بود. بدین ترتیب سپاه حکومت اسلامی از انحصار عرب‌ها به عنوان تنها عنصر نظامی خارج شده بود؛ اما تا زمان حضور گسترده ترکان در ساختار جامعه عصر عباسی، عنصر عرب، نقش مهم و کلیدی خود را در امور نظامی حفظ کرد. با حضور ایرانیان و ترکان (مشارقه)، جایگاه عناصر عرب دچار زوال گشته و آن‌ها موقعیت برتر خود را به عنوان نخبگان

حکومتی و نظامی از دست دادند که در نهایت، منجر به آن شد که عناصر نورسیده جایگاه آنان را اشغال کنند. همزمان با شکل گیری حکومت‌های مستقل در درون امپراتوری اسلامی، عناصر ایرانی و ترک به شکل بندی نهایی خود در درون نظام اجتماعی و سیاسی دست می‌یافتند. این حکومت‌ها در ابتدای شکل گیری‌شان متکی به نیروی نظامی بودند و از این طریق خود را در هرم ساخت قدرت جای می‌دادند. از آن رو نقش و جایگاه نیروهای نظامی در این حکومت‌ها بارزتر می‌نمود و در نظامی هماهنگ، با ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی آن عصر ایفای نقش می‌کرد.

۴. ترکیب سازمان سپاه در دوره آل بویه

دیلمیان به علت موقعیت خاص محلی و منطقه‌ای مردمانی جنگجو، سخت کوش و مبارز بار می‌آمدند و اگر چه در ارتش هخامنشیان، پارتیان و ساسانیان به عنوان داوطلب جنگیده‌اند ولی هرگز تابعیت کامل هیچ یک از قدرت‌ها را نپذیرفته‌اند (مسعودی، ۱۳۶۴: ۴). آنان با بهره مندی از آموزش‌ها و مهارت‌های نظامی از قبل از اسلام در تشکیلات نظامی حکومت‌های ایرانی وارد شده بودند. دیلمیان پیش از آنکه در صفحه سیاسی به طور مشخص پدیدار شوند در خشونت زبانزد اعراب بودند و «اعراب را از آنان هراسی سهمگین در دل بود» (بلاذری، ۱۳۴۶: ۸۵)

ترکیب ابتدایی سپاه در عهد بویه بدین صورت بود که دیلمان در رأس هرم بودند و سپس کردها بودند که نیروی اصلی را شکل می‌دادند. (فرای، ۱۳۸۱: ۴/۲۱۸). با افزایش وسعت و عقاید مذهبی مختلف در قلمرو امرای بویه، عناصر دیگری در ساختار سپاه اضافه گردید. ابن اسفندیار سپاهیان آل بویه را در این رویکرد شامل عناصر: کرد، لر، عرب، دیلم و ترک می‌داند (ابن اسفندیار، ۱۳۸۶: ۵). در این ساختار، دیلمان گرچه وجه برتری را بر دیگر اقوام داشتند ولی به واسطه سابقه زندگی در طبرستان پیاده نظام بودند و سواره نظام ترک پشت سر آنها حرکت می‌کردند. اما این امری موقتی بود بطوری که این ترکان بودند که در اواخر دوره حکومت بویه‌ای برتری داشتند و حتی لقب «سپهسالار» را که لقبی دیلمی بود، به خود اختصاص داده و گاه افسران عادی نیز به این لقب خوانده می‌شدند (کاهن، ۱۳۸۴: ۱۱۶-۱۲۹).

جنگجویان دیلمان با گذر زمان خواستار امتیازات بیشتری نسبت به دیگر گروه‌ها از امرای بویه‌ای بودند که به همین خاطر هر از چندگاهی دست به شورش می‌زدند. در چنین شرایطی، معزالدوله

(۳۲۴ تا ۳۴۶) روز به روز از دیلمیان دورتر و به ترکان نزدیکتر می‌شد. امتیازاتی که او به ترکان می‌داد، اعم از مناصب و پاداش‌های مالی بیشتر از کمکی بود که دیلمیان به او کرده بودند. بدین ترتیب ترکان مورد لطف بیش از حد معزالدوله قرار گرفتند و درآمد بصره و واسط بدانان اختصاص یافت. ترکان قدرتمندتر از قبل به معزالدوله نزدیک شدند و به گفته ابن اثیر «ترکان سرزمین را خراب کردند و اموال مردم را غارت نمودند و زبانشان بیشتر از سود آنان بود» (ابن اثیر، بی تا: ۵۱۶/۸).

در کنار عناصر فوق، عرب‌ها نیز در ساختار تشکیلات سپاه آل بویه بودند که عموماً عنصر تنبل و بدون تحرک و کارآیی بودند. (مسکویه، ۱۳۷۶، ۶/ ۱۴۶). در سپاه شرف الدوله (۳۶۲ تا ۳۶۸) نیز تعداد بسیاری عرب حضور داشتند که آنان در کنار آل بویه فارس فعالیت می‌کردند. عتبی زمانی که از کمک شرف الدوله به ابوالحسین سیمجوری سامانی سخن می‌گوید، می‌نویسد: «ابوالحسین سیمجور فرستاده‌ای به کرمان فرستاد و از امیر ابوالفوارس بن عضدالدوله لشکرخواست و او دو هزار سوار از انجاد عرب مدد فرستاد (جرفادقانی، ۱۳۵۷: ۷۴). این احتمال وجود دارد که شرف الدوله می‌خواست است تا از دست عرب‌ها رهایی یابد چرا که افرادی تنبل و بدون کاربرد بودند لذا به فرستادن نیروی کمکی اقدام کرد.

غیر قابل اعتماد بودن دیلمان و پشت کردن به فرماندهان به گونه‌ای بود که ابن مسکویه در این خصوص می‌نویسد: «در سال ۳۵۶ ابوعلی الیاس حاکم کرمان زیر فشار عضدالدوله نزد فرمانروای خراسان پناهنده شد و او الیاس را به اندیشه یورش به کشور دیلمان انداخت با انگاره رشوه خواری سران سپاه دیلمی و خائن بودن آن‌ها، او را امیدوار کرد و حتی وشمگیر زیاری و حسن بن فیروزان نیز اعلام همکاری کردند و قرار شد وشمگیر سردار این همه سپاه باشد و فرمانروای خراسان کمک‌های مالی و نظامی همراه با یک دسته سپاه به سرداری محمد بن ابراهیم بن سیمجور را برای این هیئت متعهد فرستاد که قرار بود همگی زیر نظر وشمگیر باشند. رکن الدوله نیز در مقابل از عضدالدوله و عزالدوله درخواست کمک کرد اما با مرگ وشمگیر همه نقشه‌ها در هم ریختن (۱۳۷۶: ۲۸۶/۶).

اختلافات بین عنصر ترک و دیلم منجر به این شد که در نهایت امرای بویه، دو فرمانده جداگانه برای سپاه تعیین کنند. از زمانی که دو فرمانده جداگانه برای سپاه بویهیان تعیین گردید، وظایف جداگانه‌ای نیز برای آنان مشخص شد. بدین معنا که دیلمیان پیاده نظام و ترکان سواره نظام سپاه را تشکیل می‌دادند. به همین روی دیلمیان ترجیح می‌دادند در مناطق محصور از جمله دره‌ها و کوهستان‌ها بچنگند در حالی که ترک‌ها علاقمند بودند صحنه کار زار را به دشت‌ها و مناطق غیر محصور بکشانند تا قدرت تحرک و امکان اسب تازی برای آنان وجود داشته باشند. از نظر قدرت رزمی تفاوت چندانی میان سپاهیان دیلمی و ترک وجود نداشت ولی دیلمیان بسیار ناسازگار بوده و خیلی زود دست به شورش می‌زدند و به همین علت همه سلاطین بویه ترجیح می‌دادند که از روش عضدالدوله پیروی کرده و برای حفظ قلمروهای خود از هر دو نیرو بهره گیرند. بزرگ‌ترین اشتباه آخرین سلاطین حکومت بویهیان آن بود که عامل نیرومند دیلمی را از عرصه تشکیلات سپاه حذف کردند و قدرت مطلقه سپاه را به ترک‌ها سپردند.

#### ۴-۱. آرایش سپاه در عهد بویه

استفاده از فنون جنگی بستگی به تدابیر سیاسی و نظامی سلاطین دیلمی داشت. عزالدوله جانشین معزالدوله در تدابیر نظامی چون تدابیر سیاسی ناتوان بود. او در جنگ با عضدالدوله، آرایش نظامی سپاهش را به اشتباه تنظیم کرده بود. ابن مسکویه می‌نویسد «سوارگان را پیش از پیادگان نهاد و این اشتباهی بود که هیچ کس نکرده است، شطرنج باز نیز این را می‌داند و همین امر او را با شکست مواجه گردانید، احمد بن بویه در جنگ واسط، در مقابل توزون از روش پیشروی آهسته سود می‌جست جنگی که نوزده روز با کوشش سخت دو طرف ادامه داشت، ولی همه روز توروں پس می‌نشست و دیلمان بصورت خزیدن پیش می‌آمدند، که این عادت ایشان در چنین موقعیت‌ها بود» (ابن مسکویه، همان: ۵ / ۸۱). معزالدوله به روش دیلمیان، چادرهایی را به نشانه پیروزی و ادامه جنگ برپا می‌کرد و روحیه دشمن را تضعیف می‌کرد و دیلمیان را تقویت می‌نمود. امیر بوحمسین بویه گله‌ای بزرگ از چارپایان و شتران را به همراه می‌برد. هنگامی که راه می‌پیمود گله را میان خود و دجله روان می‌داشت. چادر نیز به رسم دیلمیان همراه می‌برد که بر پا بودن آن نشانه چنگ و برکنده بودنش نشان‌گریز بود. (همان: ۵ / ۱۱۰). ابوجعفر بن ورقا که در دوره معزالدوله شاهد



فداکاری های بسیار صاحب منصبان دیلمی در جنگ موصل بود، می گوید: «من شنیده بودم مردانی هستند که یک تنه برابر هزار تن بایستند و باور نمی کردم تا آنکه اسپهدوست را دیدم... آنگاه باور کردم». (همان: ۶/ ۱۲۷)

### ۲-۴. فنون و رویه های جنگی

آل بویه علاوه بر روش و فنون جنگی مرسوم در زمان خود، دارای تاکتیک های جنگی خاصی بودند. ایجاد سد دفاعی در مقابل دشمن از روش های اصلی و قدیمی آنان در جنگ به حساب می آمد. به گفته ابن مسکویه سپاه دیلم در جنگ علی بن بویه با یاقوت به هنگام تصرف فارس شش مرد دیلمی پیاده شدند و سپرهای خود را نزدیک هم گرفته به پیش خزیدند. (همان: ۵/ ۳۹۶). رکن الدوله گاهی به روش جنگ فرسایشی دست می زد. او در جنگ با سامانیان برای محدود کردن میدان جنگ از ری خارج شد و در طبرک جنگید. بدین ترتیب خراسانیان را ترساند. آنان جنگ را رها کرده، مجبور به صلح شدند در این زمان رکن الدوله می توانست بر دشمن که نرسیده و روحیه خود را از دست داده بودند، به راحتی چیره گردد و با اینکه اطرافیان او را تشویق به پیشروی می کردند، با آنان صلح کرد (همان: ۶/ ۱۹۷). مطهر، وزیر و سردار جنگ عضدالدوله در جنگ بطیحه، از روش سرداران آل بویه استفاده نموده او مدتی به بستن دهانه رودخانه اقدام و سعی نمود حاکم بطیحه را در تنگی قرار دهد. ولی با وجود صرف زمان و هزینه بسیار بالا آمدن آب دجله، کار سدها را با خرابی رو به رو ساخت و موفقیتی حاصل نشد. علت دیگر شکست او ناتوانی در جنگ های فرسایشی بود. او در همه جنگ ها رو در رو فرز جنگیده بود. (همان: ۶/ ۴۸۴). دادن رشوه به فرماندهان سپاه دشمن از حیل های نظامی آل بویه محسوب می شد. زمانی که امیر سامانی، سپاهی به سرداری امیر تاش و امیر فائق به کمک فخرالدوله دیلمی و قابوس بن وشمگیر فرستاد بود، «صاحب بن عباد در سپاه مویدالدوله که در جبهه مخالف اتحاد سه گانه فخرالدوله وقابوس و امیر سلیمانی، قرار داشته و به نفع عضدالدوله عمل می کرده دانست که با جنگ نمی تواند بر چنان نیرویی عظیم پیروز شود. پس در صدد رشوه دادن به فرماندهان سپاه مقابل برآمد و به گفته مؤلف آثار الوزراء صاحب عباد دویست هزار مثقال طلا جهت فائق فرستاد تا روز جنگ هزیمت نموده» (عقیلی، ۱۳۶۴: ۲۰۰-۱۹۹).

استفاده از جاسوسان برای آگاهی از وضع دشمن از دیگر روش‌هایی بود که آل بویه به کار می‌بستند. این امر نیاز به تشکیلات و روش‌های خاص داشت. علی عماد الدوله، هنگامی که ری را به قصد کرج ابودلف ترک می‌کرد، در دربار وشمگیر فردی از جانب خود باقی گذاشت. ابوعلی مسکویه می‌نویسد: «برده دار خود، احمد (طبری) بدر ابواسحاق طبری که اکنون از شاهدان است. در ری به جای خود نزد وشمگیر بنهاد پس احمد گزارش همیاری مرداویج و وشمگیر را در بدخواهی بویه برای او بنوشت که مرداویج برای همین کار و بسیج سپاه بر ضد او به وی نزد برادر آمده است (همان، ۵ / ۳۹۴-۳۹۵). صاحب بن عباد، وزیر مؤید الدوله و فخرالدوله، جاسوسان بسیار در دربار مخالفان و همسایگان داشتند. در جنگ با سامانیان از طریق جاسوسان از کم و کیف سپاه سامانی آگاه گردید: «صاحب از یکی از جاسوسان درباره وضع سپاه پرس و جو نمود و از تعداد پیران لشکر پرسش کرد. جاسوس گفت پیران با تجربه در سپاه حاضر نیستند، ولی تجهیزات جنگی و نیروی آنان بسیار است. صاحب گفت من از پیران رأی زن می‌ترسم و از پیلان شمشیر زن خوف ندارم (عقیلی، ۳۶۴: ۱۹۸-۱۹۹).

«رسم دیلمیان در نبرد آن بود که سواره نظام پیشاپیش پیاده نظام به حرکت در می‌آمد این روش گاه نتایج تلخی به دنبال داشت». (مسکویه، همان: ۲ / ۳۸۲-۳۸۶). آنان هم چنین در میدان نبرد خیمه‌ای برپا می‌داشتند که نشانه‌ای برای مبارزین دیلمی بود که تا هر زمان برپاست شرایط به نفع نیروهای دیلمی است و هر زمان خیمه فروافتاد نشانه آن است که شکست در سپاه افتاده است. چنان که در نبرد معزالدوله با امیر توزون، معزالدوله شروع به نصب خیمه کرد ولی قبل از آن که نصب شود سپاهیان دیلمی عقب نشینی کردند (همان: ۲ / ۷۷). دیلمان در نبرد رسم دیگری نیز داشتند که پیش از تسلیم شدن بر شدت نبرد می‌افزود و با خشونت هر چه تمام‌تر دشمن را مورد حمله قرار می‌دادند (ابوشجاع، ۱۳۳۴: ۳۲۱)

۳-۴. اسلحه

سلاح اصلی در سپاه آل بویه عموماً تیر و کمان، شمشیر و نیزه و گرز بود. وسایل دفاعی آنان در جنگ‌ها سپر و زوبین بود (حدود العالم من المشرق الی المغرب، ۱۳۵۲: ۷۵). آنان چنان با سپر در

مقابل دشمن می ایستادند که گویی دیواری در مقابل دشمن ایجاد کرده‌اند. فخرالدین اسعد گرگانی در اشعارش، به ستایش نیروی نظامی آن‌ها پرداخته و می‌گوید:

سپر دارند پهناور گه جنگ

چو دیواری نگاریده به صد رنگ (گرگانی، ۱۳۴۹: ۵۱۴)

مهارت آنان در پرتاب نیزه به همراه پارچه‌های مشتعل معروف بوده و بدین ترتیب دشمن را دچار زیان و خسران و آتش سوزی می‌کردند. در دوره آل بویه در تجهیزات جنگی دیلمیان تحولاتی به وجود آمد. معزالدوله به علت موقعیت خاص جغرافیایی سرزمین‌های فتح شده و اینکه ناگزیر بود برای تصرف و حفظ موصل، بصره و عمان و بطایح و مناطق نزدیک دریا از نیروی دریایی استفاده کند، در جنگ موصل به ساختن تجهیزات جنگی دریایی اقدام کرد: «از جمله به ساختن پنجاه و اندی زبب پرداخت و روز چهارشنبه سه روز از ذیحجه مانده آن‌ها را به دجله انداخت. جوانان معزالدوله در آن‌ها نشسته با زبب سواران ناصر الدوله می‌جنگیدند» (ابن مسکویه، همان: ۶/ ۱۲۷). معزالدوله برای لشکرکشی به عمان به ساخت و تجهیزات کشتی‌های جنگی در بصره اقدام کرد. نیروی دریایی او در این جنگ نزدیک به صد کشتی جنگی می‌شد. در جنگ عمان کشتی‌های دشمن که هشتاد و نه کشتی بوده سوزانده شد (ابن اثیر، همان: ۸/ ۵۶۸). عضدالدوله از فیلان جنگی نیز سود می‌جست. «از برای آن فیلان گنبد بساخت و در آن وقت آن را فیلخانه عضدی گفتندی» (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۵۱).

نیروهای آل بویه برای درهم شکستن حصار قلعه از نوعی ماشین که منجنیق خوانده می‌شد و به وسیله آن‌ها سنگ‌های عظیم را به داخل قلعه می‌افکندند استفاده می‌کردند. در یکی از جنگ‌ها، ابوالوفاء، یکی از فرماندهان عضدالدوله در حالی که از درون قلعه‌ای دفاع می‌کرد، با منجنیق به طرف مهاجمین سنگ پرتاب می‌کرد و مهاجمین نیز با منجنیق آتش به درون قلعه می‌افکندند. (مسکویه: همان ۲/ ۳۸۸). اما در چنین مواردی غالباً محاصره شدگان در وضعیت منفی و نامطلوب قرار می‌گرفتند و قلعه محاصره شده تا زمانی می‌توانست دفاع کند که محاصره شدگان روحیه خود را حفظ کرده باشند، چنان که پیروزی عضدالدوله بر ابوتغلب، در حالی که او در حصار استوار

قرار داشت نتیجه وحشت مردم از مهاجمین بود و آشفتگی که از این وحشت پدید آمد موجب شد که مردم اقدام به گشودن دروازه دژ کنند (مسکویه، همان: ۲ / ۳۸۸-۳۹۰).

از سوی دیگر پرتاب سنگ‌های آتشین آغشته به نفت هراسی عظیم در دل طرف متخاصم می‌افکند. در سال ۴۴۶ بساسیری با منجنیق به طرف عبرت که شهر حصاردار قریش بن بدران بود، سنگ‌های آتشین آغشته به نفت پرتاب کرد و بسیاری از خانه‌ها به آتش کشیده شد. در نتیجه خشم مردم علیه بدران برانگیخته شد و این مردم محصور بودند که پسابری را به درون دعوت کردند (ابن اثیر، همان: ۲ / ۳۱۵).

در میدان‌های متعارف و عادی جنگ از نفت و سنگ‌های آغشته به نفت استفاده می‌شد اما به کارگیری این روش خالی از خطر نبود، زیرا کافی بود که جهت وزش باد تغییر کند تا بهای خودی را به آتش کشد. همان طور که قبلاً گفته شد در نبردهای دریایی و رودخانه‌ای انواع قایق‌ها به کار گرفته می‌شد و همان قایق‌ها در مصارف عمومی نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت. از انواع قایق‌های آن دوره می‌توان از طیار، زبب، شذعا حدیدیه، حراقه، سمریه و زورق و دیگر انواع قایق‌ها یاد کرد (ابن مسکویه، همان: ۲ / ۹۲-۲۰۵-۲۴۳).

#### ۴-۴. شمار سپاهیان

در مورد تعداد نیروهای سپاهیان بویهیان و قدرت نسبی هر یک از عناصر تشکیل دهنده سپاه و به ویژه قدرت رزمی دیلم‌ها و ترک‌ها ارقام جسته و گریخته‌ای وجود دارد که گاه این ارقام نفی‌کننده دیگری است به همین روی نمی‌توان تصویر واضحی از ساخت سپاه بویهیان در ذهن مجسم کرد. به هر حال نیروهای دیلمی هسته اصلی و مرکزی سپاه بویهیان را تشکیل می‌دادند. زمانی که علی عمادالدوله اصفهان را تصرف نمود، تنها ۳۰۰ نفر دیلمی همراه وی بود و بعدها ۴۰۰ دیلمی دیگر که از سپاه مقابل بریده بودند به او پیوستند. در مورد تعداد نیروهای بویهیان نظرهای کاملاً متناقضی عرضه می‌شود. از جمله در تواریخ مضبوط است که به هنگام تهاجم عمادالدوله به فارس تنها ۸۰۰ نفر او را همراهی می‌کردند. و این نشانه آن است که توانایی سردمداران بویه در جذب نیرو اندک بوده است. از سوی دیگر عوفی، هرچند که با فاصله زمانی زیادی درباره بویهیان به تاریخ نویسی می‌پردازد می‌نویسد به هنگام تهاجم أحمد معزالدوله به عراق بیست هزار مرد جنگی در خدمت وی

بودند و در جای دیگری می نویسد در شورشی که روزبهان علیه معزالدوله به پا کرد، ۹۰۰۰ نفر سپاه معزالدوله را تشکیل می دادند که از این تعداد ۵۰۰۰ دیلمی، ۲۰۰۰ عرب، ۹۰۰ ترک و بقیه از درباریان و غلامان و اطرافیان سلطان بودند و در سپاه روزبهان ۱۵۰۰۰ دیلمی حضور داشت که همگی از سپاه معزالدوله بریده بودند؛ بنابراین نتیجه می شود که در آن زمان تعداد نیروهای بویهیان ۲۴۰۰۰ نفر بوده است. عوفی اضافه می کند تعداد نیروهای مشترک بختیار و ابوتغلب که در نبرد قصرالجص شرکت داشتند ۲۵۰۰۰ نفر بود که از گروه ها و قبایل مختلف تشکیل شده بودند (عوفی، ۱۳۸۲: ۱۳۱).

متأسفانه از تعداد نیروهای عضدالدوله رقمی در دست نیست، ولی با توجه به تعداد نیروهایی که در نبرد با صمصام الدوله در رکاب شرف الدوله بودند، می توان قدرت رزمی عضدالدوله را تخمین زد. در آماري که از نیروی شرف الدوله در دست است نشان می دهد که تعداد ۱۳۰۰۰ شتر فقط بارها و کالاهای خصوصی شرف الدوله و تعداد بیشتری بارهای سپاهیان را حمل می کردند. تعداد اسب های این سپاه به حدی بود که ۱۸۰۰ مهتر و خدمه تنها برای اسبها در نظر گرفته شده بود (ابوشجاع، همان: ۱۲۸).

پس از آنکه صمصام الدوله تسلیم شد، شرف الدوله به بغداد وارد گردید. در سپاه شرف الدوله ۱۹۰۰۰ دیلمی و ۳۰۰۰ ترک حضور داشت. اما از میان این افراد، تعدادی بودند که پیش از این به حمایت از صمصام الدوله علیه شرف الدوله جنگیده بودند (همان: ۱۳۲).

### نتیجه گیری:

امارت آل بویه در عهد امرایی چون رکن الدوله، عضدالدوله و فخرالدوله، توانست در مواجهه با سامانیان و زیاریان در مشرق و با حمدانیان و امارات دیگر عربی در اطراف صحرای سوریه در غرب موفقیت های چشمگیری را به دست آورد که بدون شک یکی از علل موفقیت های امرای بویه ای در این جنگ ها، استفاده از فنون جنگی و ویژگی ساختار ترکیبی آل بویه و جایگاه آنها در مقایسه با تطور سپاهیان دارای قومیت های گوناگون بود؛ چه، سپاهیان که بر ممالیک تکیه می کردند در دوره میانی تاریخ عباسیان و پس از آن، متمایز و شاخص بودند.

امرای آل بویه که میراث دار حکومت های پیشین خود بودند، ابداع و نوع آوری های نظامی را در عرصه های مختلف ادامه دادند؛ در این دوران از انواع منجنیق ها، عراده، قوچ جنگی، آتش یونانی، شمشیرها و سپرهای پیشرفته تری استفاده میشد. همچنین نیروی دریایی رشد زیادی کرد و بر روی نیروی دریایی سرمایه گذاریهای زیادی شد و انواع و اقسام کشتی و قایق در نیروی دریایی این دوران وجود داشت. با توجه به اینکه در این دوران فتوح زیادی انجام شد، در نتیجه بیت المال مملو از پول و ثروت بود، آل بویه در دوران امرای خود بخشی از این درآمدها را صرف ارتش خود کردند تا بتوانند در برابر نیروهای داخلی و خارجی بایستند و آنها را شکست دهند تا روز به روز بر قدرت خود بیافزایند. علاوه بر این موارد در این دوره به غیر از نیروهای دیلم از نیروهای کرد، لر و عرب و... نیز بهره بردند و از این طریق پیشرفت هایی حاصل شد، اما به مرور زمان وجود عناصر مختلف در سپاه امرای بویه خود موجب ضعف دولت بویه گردید.

#### منابع و ماخذ:

۱. ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن علی (بی تا)، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، انتشارات علمی
۲. ابن اسفندیار، بهالدین محمد بن حسن (۱۳۸۶)، تاریخ طبرستان، به تصحیح عباس اقبال و اهتمام محمد رضانی، تهران، طبرستان
۳. ابوشجاع، محمد روز راوری (۱۳۳۴)، ذیل تجارب الامم، مصر، مطبعة التمدن الصناعیه
۴. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۴۶)، فتوح البلدان، ترجمه آذر تاش آذرنوش، تهران، بنیاد فرهنگ ایران
۵. تنکابنی، حمید (۱۳۸۳)، درآمدی بر دیوان سالاری در ایران، تهران، علمی و فرهنگی
۶. جرفادقانی، ابوالشرف ناصح بن ظفر (۱۳۷۶)، ترجمه تاریخ یمینی، به اهتمام جعفر شعار، تهران، علمی و فرهنگی
۷. حدود العالم من المشرق الی المغرب (۱۳۵۲)، تصحیح و اهتمام جلال الدین تهرانی، تهران، مطبعة مجلس
۸. حکمت، علی اصغر (۱۳۴۳)، ایران شهر، تهران، کمیسیون ملی یونسکو در ایران
۹. دریانی، تورج (۱۳۸۳)، شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، ققنوس

۱۰. زرکوب شیرازی، ابوالعباس (۱۳۵۰)، شیرازنامه، به اهتمام اسماعیل واعظ جوادی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران
۱۱. عقیلی، سیف الدین حاجی بن نظام (۱۳۶۴)، آثار الوزراء، تصحیح و تعلیق جلال الدین حسینی ارموی، تهران، موسسه اطلاعات
۱۲. عوفی، سدید الدین محمد (۱۳۸۲)، جوامع الحکایات و لوامع الروایات، به اهتمام جعفر شعار، تهران، علمی و فرهنگی
۱۳. فرای، ریچارد (۱۳۸۱)، تاریخ ایران از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر
۱۴. کاهن، کلود (۱۳۸۴)، بویه‌یان، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی
۱۵. کریستین سن، آرتور (۱۳۷۸)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران، صدای معاصر
۱۶. گرگانی، فخرالدین اسعد (۱۳۴۹)، ویس و رامین، تصحیح ماگالی تودوا-الکساندر گواخاریا، تهران، بنیاد فرهنگ ایران
۱۷. مسعودی، ابوالحسین علی بن حسن (۱۳۶۴)، مروج الذهب، ترجمه قاسم پاینده، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب